



مرکز بجنورد

پایان نامه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده : علوم انسانی

گروه علمی : زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

جلوه های شادی در شیرین و خسرو و مجنون و لیلی

امیر خسرو دهلوی

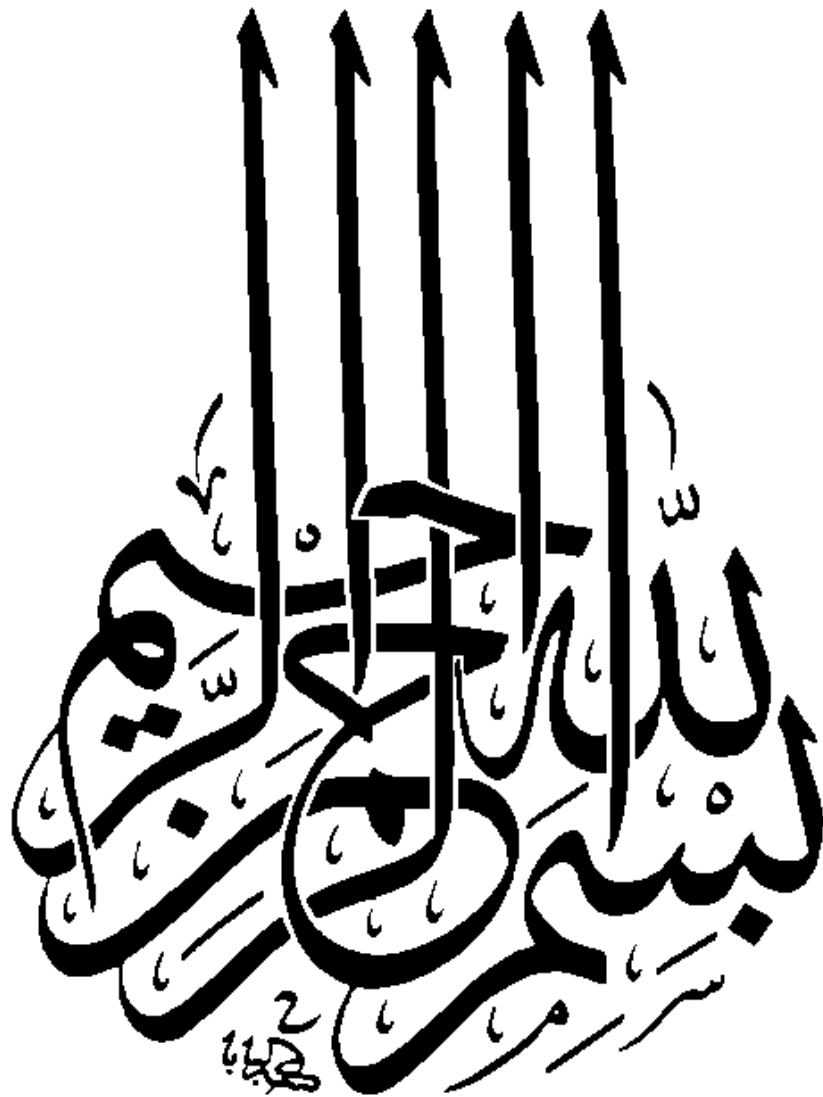
استاد راهنما : دکتر قدسیه رضوانیان

استاد مشاور : دکتر جلیل مسعودی نیا

نگارش : فهیمه مسلمی پطرودی

تیر

1389



چکیده

امیر خسرو دهلوی از شاعران فارسی‌سرای هندوستان است. عده‌ای او را طوطی هندوستان و برخی سعدی هندوستان می‌دانند. وی از بزرگ‌ترین مقلدان نظامی در زمینه‌ی آثار بزمی و داستان‌سرایی است. دهلوی در سرودن داستان‌های شیرین و خسرو و مجنون و لیلی از هر چیزی بهره می‌برد، تا لایه‌های مختلف شادی را در فرهنگ کهن ایران مورد بررسی قرار دهد. از این رو، مرقعی رنگارنگ از موضوعات مختلف را به قصد و انگیزه‌ی تنوع بخشی و رفع ملال و خستگی و ایجاد شادی و سرور در مخاطب به‌کار می‌برد: وصف طبیعت، یاد خدا، قضا و قدر، شراب، موسیقی، شکار، بزم‌های مجلل و باشکوه، روابط عاشقانه جسمانی یا روحانی، ناز و نیازها، عشوه‌ها و کرشمه‌ها و حتی مطالب شهوانی در لفافه‌ای از عفت بیان و خلاصه هر آنچه در جهان می‌تواند نظر انسان را به خود جلب کند و انگیزه‌ای برای توصیف و هنرنمایی باشد.

این پایان‌نامه به‌طور مشخص به مقوله‌ی شادی می‌پردازد و مؤلفه‌های شادی را به‌طور تفصیلی و تحلیلی در دو اثر مورد نظر بررسی می‌کند. این مؤلفه‌ها در شیرین و خسرو به پنج دسته‌ی: 1- رابطه‌ی شادی و آیین‌ها، آداب و رسوم و باورها 2- رابطه‌ی شادی با تفریحات و سرگرمی‌ها 3- رابطه‌ی شادی و عشق 4- رابطه‌ی شادی و مذهب 5- رابطه‌ی شادی و فلسفه‌ی زندگی و در مجنون و لیلی به دو دسته‌ی: 1- رابطه‌ی شادی با آیین‌ها، آداب و رسوم 2- رابطه‌ی شادی با عشق تقسیم می‌شود.

در پایان به این نتیجه می‌رسد که عوامل شادی‌بخش در شیرین و خسرو به‌خاطر ماهیت این عشق که به وصال ختم می‌شود، بسیار گسترده است؛ اما، در لیلی و مجنون که عشق ماهیت فراقی دارد، بسامد واژه‌ها و ترکیبات و تصویرهای شاد و نشاط‌بخش به مراتب کم‌تر از شیرین و خسرو است.

واژه‌های کلیدی: امیر خسرو دهلوی، شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، شادی.

سپاس گزاری

با عرض سپاس فراوان به آستان آفریننده‌ی جهان و جهانیان و درود فراوان بر پیامبر بزرگ اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) که خداوند ایشان را برای ارشاد و هدایت بشر فرستاد و ما را پیرو راه آنان قرار داد.

اکنون به لطف و فضل الهی، اولین کار پژوهشی خود را به اتمام می‌رسانم، خدا را شاکرم که این توفیق را رفیق راهم قرار داد تا بتوانم از هر چیزی که می‌بینم و می‌خوانم، توشه‌ای بردارم.

از محبت بی‌دریغ استاد ارجمند سرکار خانم دکتر قدسیه رضوانیان که همواره پاسخگوی سؤالات من بودند و راه روشن و پر از امید را نشانم دادند و در به ثمر نشستن این پژوهش، راهنمای من شدند و همچنین از لطف و دقت نظر استاد فرزانه جناب آقای دکتر جلیل مسعودی فرد نهایت امتنان و تشکر را دارم.

تقدیم به:

پدر و مادرم کہ سادگی، صمیمیت

و تلاش آنها پیام آور شادی بود.

فهرست

صفحه	عنوان
الف.....	چکیده.....
	فصل اوّل: کلیات
2.....	1-1- پیش گفتار.....
3.....	2-1- تعریف مسأله و بیان پرسش‌های اصلی تحقیق.....
4.....	3-1- پیشینه‌ی تحقیق.....
4.....	4-1- فرضیات.....
5.....	5-1- اهداف پژوهش.....
5.....	6-1- روش کار.....
	فصل دوّم: شادی
7.....	درآمد.....
8.....	1-2- مفهوم واژگانی شادی.....
8.....	2-2- ضرورت شادی و نشاط.....
9.....	3-2- شادی از دیدگاه روان‌شناسی.....

- 10.....نقد روان‌شناسی.....
- 11.....4-2- شادی از دیدگاه دینی.....
- 14.....نقش متقابل دین و شادی.....
- 15.....5-2- شادی از دیدگاه علوم اجتماعی.....
- 16.....1-5-2- تأثیر شادی در جامعه.....
- 17.....2-5-2- علل شادی از دیدگاه اجتماعی.....
- 19.....6-2- شادی در ایران باستان.....
- 20.....7-2- اهمیت خنده.....

فصل سوّم: زندگی‌نامه و آثار

- 24.....1-3- زندگی‌نامه امیرخسرو دهلوی.....
- 26.....2-3- آثار امیرخسرو دهلوی.....
- 28.....3-3- شیوه‌ی امیرخسرو دهلوی در شعر و شاعری.....
- 29.....1-3-3- قصاید.....
- 29.....2-3-3- غزلیات.....
- 29.....3-3-3- مثنوی.....
- 30.....4-3- شعر غنایی.....
- 33.....5-3- داستان شیرین و خسرو.....
- 36.....6-3- تفاوت «شیرین و خسرو» دهلوی و «خسرو و شیرین» نظامی.....
- 36.....7-3- نظیره نویسان شیرین و خسرو.....
- 37.....8-3- داستان مجنون و لیلی.....
- 38.....9-3- تفاوت «مجنون و لیلی» دهلوی و «لیلی و مجنون» نظامی.....

39..... نظیره نویسان مجنون و لیلی..... 10-3

فصل چهارم: جلوه‌های شادی در «شیرین و خسرو» دهلوی

42..... رابطه‌ی شادی و آیین‌ها، آداب و رسوم و باورها..... 1-4

42..... شادی و ازدواج..... 1-1-4

46..... جهاز بردن عروس..... 2-1-4

47..... شادی و نوروز..... 3-1-4

50..... شادی و طالع‌بینی..... 4-1-4

51..... تأثیرات نشاط‌بخش خورشید..... 5-1-4

53..... شادی حاصل از مجلس ساختن با حکیمان..... 6-1-4

54..... رابطه‌ی شادی با تفریحات و سرگرمی‌ها..... 2-4

54..... شادی و شکار..... 1-2-4

56..... شادی و شراب..... 2-2-4

58..... رابطه‌ی شادی و عشق..... 3-4

58..... ارتباط عاشقانه..... 1-3-4

59..... شادی در مراسم پیشواز و استقبال از معشوق..... 2-3-4

60..... شادی حاصل از دیدار وعده‌ی یار..... 3-3-4

61..... شادی و روی معشوق..... 4-3-4

62..... شادی به یاد معشوق..... 5-3-4

63..... سختی‌های راه عاشقی باعث شادی عاشق می‌شود..... 6-3-4

64..... رابطه‌ی شادی و مذهب..... 4-4

64..... شادی و یاد خدا..... 1-4-4

67..... شادی حاصل از معراج پیامبر..... 2-4-4

67..... شادی و پیوند آن با عدل و داد..... 3-4-4

- 68.....4-4-4- شادی و راضی بودن به قضای الهی.....
- 69.....5-4-4- شادی و شکرگزاری.....
- 70.....6-4-4- شادی و جود و بخشش.....
- 71.....7-4-4- شادی و دوری از حرص.....
- 72.....5-4- رابطةی شادی و فلسفه‌ی زندگی.....
- 72.....1-5-4- شادی و زندگی در زمان حال.....
- 75.....2-5-4- شادی و امید.....
- 77.....3-5-4- شادی و پیروزی بر خصم.....
- 78.....6-4- شادی پنهان.....
- 79.....7-4- شادی حاصل از روابط سیاسی.....
- 79.....8-4- شادی در رؤیا.....
- 81.....9-4- شادی و موسیقی.....

فصل پنجم: جلوه‌های شادی در مجنون و لیلی

- 87.....1-5- رابطةی شادی با آیین‌ها و آداب و رسوم.....
- 87.....1-1-5- شادی و خواستگاری.....
- 89.....2-1-5- شادی و عقد و ازدواج.....
- 90.....3-1-5- شادی و تولد.....
- 92.....4-1-5- شادی و نوروز.....
- 93.....2-5- رابطةی شادی با عشق.....
- 93.....1-2-5- شادی و وصال با مرگ.....
- 95.....2-2-5- غم از سوی معشوق باعث شادی عاشق می‌شود.....
- 96.....3-2-5- دیدار معشوق باعث شادی عاشق می‌شود.....
- 97.....4-2-5- وصال با معشوق در رؤیا باعث شادی عاشق می‌شود.....

فصل ششم: نتیجه گیری

100.....	نتیجه گیری
103.....	پیشنهاد و توصیه ها
104.....	منابع و مآخذ

فصل اوّل

کلیّات

1-1- پیش‌گفتار

شاعران پارسی‌گو از همان نخستین روزهای تولد شعر فارسی در پی این بودند تا در انواع مختلف ادبی طبع‌آزمایی کنند، از این‌رو هم‌چنان‌که به حماسه، مدیحه و وصف توجه نشان دادند، از موضوعات دیگر هم‌چون غزل، حسب‌حال، شکایت، بزم‌سرایی، خمربه، شعر تعلیمی، پند و اندرز، رثا و داستان‌سرایی غافل نبودند. از میان گونه‌های مختلف شعر فارسی به لحاظ معنا، گونه‌ی غنایی آن هم به صورت تغزلهای عاشقانه و هم به شکل منظومه‌های داستانی عاشقانه از همان عصر پدر شعر فارسی، رودکی سمرقندی، مجال ظهور یافت و در قرن‌های بعدی با فراهم شدن فضای مناسب، به نهایت رشد و کمال خود دست یافت. بدیهی است در این سیر تاریخی از نظر زبان و تصویرهای شعری پخته‌تر شد.

داستان‌سرایی در روزگار سامانیان، به‌جهت برخورداری مردم عصر از روحیه‌ی سلحشوری در شکل حماسی آن، مورد توجه شاعران قرار گرفت و منظومه‌هایی چون، گرشاسب‌نامه‌ی دقیقی توسی و شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی سروده شد. چیزی نگذشت که در عصر غزنویان، شاعرانی چون عنصری و عیوقی به نظم داستان‌های عاشقانه دست یازیدند و نشان دادند که می‌توان در عرصه‌های تازه و جدید نیز هنرنمایی کرد. عنصری با نظم داستان‌های عاشقانه‌ی سرخ‌بت و خنگ‌بت، شادبهر و عین‌الحیات و وامق و عذرا، حرکتی را آغاز کرد و عیوقی با نظم ورقه و گلشاه،

به رشد و بالندگی این نوع از شعر کمک کرد. با همهی این احوال پرداختن به داستان‌های بزمی و عاشقانه تا وقتی که فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین خود را نسرود، شکل واقعی خود را پیدا نکرد. داستان ویس و رامین از مقام ویژگی‌های یک منظوم‌هی غنایی برخوردار است. وزن، تصویرها، وصف‌ها و ... متناسب با این قبیل داستان‌هاست.

نظامی، دیگر گوینده‌ی داستان‌های عاشقانه است که با سرودن خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر، بهترین نمونه‌های این قالب را در ادب فارسی پدید آورده است که بعدها بسیاری از آثار او تقلید کرده‌اند. امیرخسرو دهلوی، از بزرگترین شاعرانی است که در این زمینه از او تقلید کرده است.

دو اثر مهم دهلوی در این زمینه، «شیرین و خسرو و مجنون و لیلی» است که موضوع کار پایان‌نامه‌ی حاضر است. با توجه به این که یکی از مفاهیم عمده‌ی آثار غنایی، شادی و نشاط است یا دست‌کم چنین انتظاری از این آثار می‌رود که توأم با مجالس بزم و طرب باشند، این پایان‌نامه درصدد است تا این مفهوم را در دو اثر مذکور از امیرخسرو دهلوی بررسی کند. بدین منظور مؤلفه‌های مربوط به چنین فضایی از متن داستان‌ها استخراج شده، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

1-2- تعریف مسأله و بیان پرسش‌های اصلی تحقیق

با توجه به این که ایران سرزمین سرور و نشاط است، نگارنده قصد دارد که لایه‌ها و ساخت‌های مختلف شادی را در فرهنگ کهن ایرانی در «شیرین و خسرو» و «مجنون و لیلی» امیرخسرو دهلوی مورد بررسی قرار دهد.

پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

- 1- با توجه به این که امیرخسرو دهلوی شاعر بزم سرایی است، آیا آثار او بازتابنده‌ی شادی به عنوان مهم‌ترین عنصر بزم سرایی هستند؟
- 2- مؤلفه‌های شادی در شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی چگونه است؟
- 3- مؤلفه‌های شادی در مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی چگونه است؟

1-3- پیشینه‌ی تحقیق

اشعار غنایی در ادبیات فارسی منحصر به قرن هفتم و هشتم هجری و پس از آن نبوده؛ بلکه از روزگاران کهن این شاخه از ادبیات رونق و رواج داشته است. شاعرانی هم‌چون رودکی، سمرقندی، فرّخی سیستانی، منوچهری دامغانی، خاقانی شروانی، نظامی و ... در این وادی گام نهاده‌اند. درباره‌ی شادی، کار مستقلی در زمینه‌ی بررسی شادی در ادبیات انجام نگرفته است. جز: 1- «غم و شادی در اندیشه‌ی مولانا (محمدحسین بهرامیان)»؛ در این مقاله‌ی غم و شادی در آثار و فرهنگ ایرانی از دوره باستان تا عصر مولانا مورد پژوهش قرار گرفته است. 2- «شادی در فرهنگ و ادب ایرانی (علی‌اکبر باقری خلیلی)»؛ در این مقاله با روشن ساختن تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی در ایجاد یا فقدان شادی، از دوره باستان تا دوره‌ی حافظ می‌پردازد. اما این پژوهش درصدد است که به‌طور مستقل، مؤلفه‌های شادی را در دو اثر معروف امیرخسرو دهلوی بررسی کند؛ زیرا معتقد است شادی در آثار غنایی از این دست طبیعتاً باید بازتاب گسترده‌تری داشته باشد.

زندگی‌نامه و معرفی آثار امیرخسرو دهلوی در بعضی از منابع مربوط به قرن هشتم تا به امروز وجود دارد. جایگاه بلند امیرخسرو دهلوی با توجه به آثارش به خصوص خمسه‌ی او، چنان‌که باید و شاید در ادبیات ایران معرفی نشده است. امیرخسرو در ادبیات فارسی همیشه به‌عنوان مقلد حکیم نظامی گنجوی مطرح شده است و تحقیق در مورد شخصیت خود امیرخسرو و آثارش بیش از چند مقاله، مانند: «تشریح چند شعر از شیرین و خسرو امیرخسرو (ابراهیم برهان آزاد)»، «امیرخسرو نابغه‌ای که در دوران خود بی‌همتا بود (علی‌خان عابد)» و «امیرخسرو دهلوی (علی قویم)» و اشاره در کتاب‌های تاریخ ادبیات بیشتر نمی‌باشد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، تاکنون پژوهش جامعی در مورد جلوه‌های شادی در «شیرین و خسرو» و «مجنون و لیلی» او صورت نگرفته است.

1-4- فرضیات

1- به نظر می‌رسد امیرخسرو دهلوی طرح یک زندگی شاد و برخوردارانه را به نحوی که

جسم و جان مورد نواخت قرار گیرد، پیش روی می‌نهد.

2- تصوّر می‌شود دهلوی بدیع‌ترین تصاویر غنایی را با حفظ سنت‌های ملی و مذهبی دو اثر نام برده، پدید آورده است.

3- به نظر می‌رسد برخی از مؤلفه‌های این دو اثر از دیدگاه روان‌شناسی قابل بررسی هستند.

1-5- اهداف پژوهش

1- بیان جلوه‌های متعدّد و متنوع شادی در فرهنگ ایرانی - شرقی در آثار امیرخسرو دهلوی.

2- مقایسه‌ی دو منظومه‌ی غنایی از نظر شادی و دست‌یابی به نتیجه‌های متفاوت؛ چنان‌که منظومه‌ی شیرین و خسرو از فضای شاد و دل‌انگیزتر در مقاسه با مجنون و لیلی برخوردار است.

1-6- روش کار

روش پژوهش، توصیفی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است. در آغاز کار برای احاطه‌ی بیش‌تر بر تعریف شادی و مسائل مربوط بدان به مطالعه‌ی کتاب‌هایی در زمینه‌ی شادی و ویژگی‌های آن پرداختم و هم‌چنین کتاب‌هایی که به شرح حال و زندگی و آثار امیرخسرو دهلوی اختصاص داشتند، مطالعه و یادداشت‌برداری نمودم. سپس، با مطالعه‌ی اشعار شیرین و خسرو و مجنون و لیلی، موارد مربوط به شادی، استخراج شد تا اصول و محورهای پژوهشی مشخص شوند. آن‌گاه فیش‌برداری موضوعی از اشعار برجسته و مهمّ دو اثر بر اساس محورهای فوق و زیرمجموعه‌های آن در شش فصل تدوین گردید.

فصل اوّل: کلیّات؛ تعریف مسأله و بیان پرسش‌های اصلی تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، فرضیّات،

اهداف کلی پژوهش و اهمّیت و مراحل پژوهش.

فصل دوّم: تعریف شادی از دیدگاه روان‌شناسی، علوم اجتماعی و دین.

فصل سوّم: زندگی‌نامه، شرح حال و آثار دهلوی.

فصل چهارم: جلوه‌های شادی در شیرین و خسرو.

فصل پنجم: جلوه‌های شادی در مجنون و لیلی.

فصل ششم: نتیجه‌گیری؛ جلوه‌های شادی در شیرین و خسرو به‌دلیل ماهیّت عشق که به وصال

ختم می‌شود فراوان است؛ اما از آن‌جا که مضمون اصلی در مجنون و لیلی فراق و هجران است،

جلوه‌های شادی کم‌تر از خسرو و شیرین است.

فصل دوّم

شادی

درآمد

«ارسطو فیلسوف یونانی شادی را از سه دیدگاه بیان می‌کند:
الف) از نظر مردم عادی: مردم عادی لذت را شادی می‌دانند.
ب) افراد موفق: این افراد شادی را مساوی با عملکرد خوب می‌دانند.
ج) دانشمندان: دانشمندان زندگی متفکرانه را معادل شادی به‌شمار می‌آورند» (امیرحسینی، 1383: 3).

«شادمانی حالتی از ذهن است نه رشته‌ای از حوادث؛ احساسی آرامش‌بخش که می‌توانید همیشه تجربه‌اش کنید و با آن زندگی کنید، نه چیزی که برای یافتنش نیاز به جستجوی زیادی داشته باشید» (کارلسون، 1380: 129). «البته شادمانی‌ها و خوشی‌ها، یکسان نیستند؛ برخی ثانیه‌ای‌اند، برخی دقیقه‌ای‌اند، برخی ساعتی‌اند، برخی روزی‌اند، برخی ماهی‌اند، برخی سالی‌اند، برخی عمری‌اند و برخی دایمی» (سماک امانی، 1385: 36).

البته به‌دست آوردن هر یک از آن شادی‌ها و خوشی‌ها نیاز به سعی و تلاش دارد و «هیچ چیز نمی‌تواند بیش از سعی و کوشش خود ما سبب شادیمان شود» (بهادری‌نژاد، 1375: 156). طبیعی است که همه‌ی شادی‌های اطراف انسان شادی پسندیده و مطلوب نیست؛ «شادی اگر حاصل

ارتباطی سازنده بین شخص و خدایش، بین فرد و هموعانش، بین شخص و وظایفش در جامعه باشد، طبعاً شادی و سروری خواهد بود دلخواه و ایده‌آل» (واهلروس، 1375: 247).

2-1- مفهوم واژگانی شادی

شادی در لغت به معنای «خوشحالی، شادمانی، مسرت، به‌سلامتی (به هنگام نوشیدن باده به یاد عزیزی یا دوستی گویند)، فرح» (فرهنگ معین)، «بهج، بهجت، ابتهاج، بشاشت، نشاط، سرور، طرب، خوش‌دلی، ارتیاح، وجد، انبساط، مرحان، رامش» (لغت‌نامه‌ی دهخدا) آمده است.

2-2- ضرورت شادی و نشاط

«شادی برای انسان یک ضرورت است که با آن زندگی معنا می‌یابد و عواطف منفی، مثل ناکامی و ناامیدی و ترس و نگرانی، بی‌اثر می‌شود. در پرتو شادی است که انسان می‌تواند خویش را بسازد و قلّه‌های سلوک را چالاکانه ببیماید و در اجتماع نقش سازنده‌ی خود را در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایفا کند» (طریقه‌دار، 1380: 23). ارسطو در این مورد گفته است: «شادی بهترین چیزهاست و آن‌قدر اهمّیت دارد که سایر چیزها برای کسب آن هستند» (آیزنگ، 1375: 12).

اهمّیت و ضرورت شادی به اندازه‌ای است که «نه تنها جلوی بسیاری از بیماری‌های ناشی از ناملایمات را که در قرن حاضر زیاد است می‌گیرد، بلکه حتّی قادر است از رشد و نمای بیماری سرطان - که در حالت کمون است - پیشگیری کند» (لقمانی، 1380: 25).

«ضرورت شادی و نشاط، حتّی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها نیز خود را نشان می‌دهد؛ اگر دولت‌ها به افزایش شادی و نشاط قشرهای مختلف جامعه‌ی خود، به‌خصوص خانواده‌ها توجه کنند، در رسیدن به اهداف مورد نظر موفق‌تر خواهند بود» (مرتضوی‌زاده، 1383: 3).

«برطرف کردن غم و اندوه و به‌وجود آوردن روحیه‌ی شادی برای خانواده و جامعه از جنبه‌ی دیگری هم ضرورت می‌یابد و آن این‌که، غم و شادی انسان فقط مربوط به خودش نیست، بلکه با شادی یا غمگین شدن یک نفر تمامی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ یعنی، غم و شادی فردی نیست و در یک‌جا باقی نمی‌ماند و به همه‌ی افراد سرایت می‌کند» (طریقه‌دار، 1380: 24). از همین رو روایات و احادیث زیادی به ضرورت شادی در زندگی بشر تأکید می‌کنند.

2-3- شادی از دیدگاه روان‌شناسی

«روان انسان در مقابل عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های مختلفی از قبیل شادی و نشاط، خشم، تنفر، غم و اندوه و ... از خود نشان می‌دهد، که به آن‌ها «هیجان» می‌گویند. این هیجان‌ها بسته به عوامل پدیدآورنده و نیز دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسان، گاه مثبت‌اند و گاه منفی. یکی از این جنبه‌های هیجان «شادی» است» (آیزنک، 1375: 12).

از آن‌جا که این بُعد برجسته‌ی هیجان، مربوط به روان انسان است ارائه‌ی تعریف دقیق‌تر آن نیز در حوزه‌ی دانش روان‌شناسی است؛ اما با تأسف، در این علم نیز موضوع شادی چندان مورد توجه قرار نگرفته است، به طوری که «هنری موری» می‌گوید: «یکی از غریب‌ترین نشانه‌های مشخص عصر ما، که کم‌تر قابل تفسیر است، غفلت روان‌شناسان از موضوع شادی است؛ یعنی، همان حالت درونی که افلاطون و ارسطو و تقریباً تمامی متفکران برجسته‌ی گذشته آن را بهترین متاعی دانسته‌اند که از راه فعالیت، قابل حصول است» (پلاچیک، 1375: 187).

با وجود تمام کم‌کاری‌ها، برخی تعریف‌های پراکنده از شادی شده است؛ مثلاً گفته‌اند: «شادی حالتی است که تألمات روحی در انسان به کمترین حد می‌رسد و بر اثر آن مسرت باطنی انسان آشکار می‌گردد و انسان برای لحظه‌ای از قید غم‌ها آزاد می‌شود» (غیاثوند، 1384: 13). عده‌ای از روان‌شناسان شادی را فرار از دردها می‌دانند: «شادی عبارت است از: مجموع لذت‌ها منهای دردها» (آیزنک، 1375: 42). وی جای دیگر شادی را به عاطفه‌ی انسان نسبت می‌دهد: «شادی ترکیبی از عاطفه‌ی مثبت بالا و عاطفه‌ی منفی پایین است» (همان: 172).

برخی از روان‌شناسان هم خنده و خندیدن را معادل شاد بودن دانسته‌اند و اعتقاد دارند که «هنر شاد بودن مستلزم توانایی خندیدن به مشکلات در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از وقوع آن‌هاست» (متیوس، 1375: 59). «انسان شاد خیلی راحت‌تر از انسان ناشاد می‌خندد و هدف اصلی از خندیدن نیز رسیدن به شادمانگی و احساس شادی است» (ولی‌زاده، 1381: 55).

هیوپراتر می‌گوید: «شادی؛ یعنی، ملاطفت، آرامش، تمرکز، سادگی، بخشندگی، شوخ‌طبعی، بی‌پروایی و اعتماد» (ری، 1379: 39).

مارشال ریو هم معتقد است که «شادی احساس مثبتی است که از حسن ارضا و پیروزی به دست می‌آید» (مارشال ریو، 1367، 367). با توجه به این تعریف می‌توان گفت: انسانی شاد است که از روند کلی زندگی خود احساس رضایت می‌کند، اگرچه در مواقع خاصی احساس نارضایتی داشته باشد. پس انسان هر چه احساس رضایت و خوشبختی نماید، همان‌قدر نیز از زندگی و روند آن لذت برده و انسان شادی خواهد بود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: «هر انسانی مطابق جهان‌بینی و اندیشه‌های خود، اگر به چیزهای مورد علاقه‌اش برسد، در خود حالتی احساس می‌کند که شادی نام دارد» (طریقه‌دار، 1380 : 23).

نقد روان‌شناسی

در ابتدا تعریفی از نقد کرده و سپس به بحث در مورد نقد روان‌شناختی می‌پردازیم. «کلمه‌ی نقد در لغت به معنی «بهین چیزی برگزیدن» و نظر کردن است در دراهم تا در آن به قول اهل لغت، سره را از ناسره باز شناسند. معنی عیب‌جویی نیز، که از لوازم «به‌گزینی» است ظاهراً هم از قدیم در اصل کلمه بوده است و به‌هرحال از دیرباز، این کلمه در فارسی و تازی، بر وجه مجاز در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به‌کار رفته است. چنان‌که آن لفظی هم که امروز در ادب اروپایی جهت همین معنی به‌کار می‌رود در اصل به معنی رای‌زدن و داوری کردن است و شک نیست که رای‌زدن و داوری کردن درباره‌ی امور و شناخت نیک و بد و سره و ناسره‌ی آن‌ها مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است» (زرین‌کوب، 1374: 22).

«همان‌گونه که شاعران و نویسندگان در ابداع و آفرینش آثار خویش روش‌ها و شیوه‌های مختلف داشته‌اند، بعضی عارف بوده‌اند، بعضی زندیق، برخی عاشق‌پیشه بوده‌اند و برخی اهل اخلاق، نقادان و سخن‌سنجان نیز در فهم و شناخت آن آثار، مبادی و اصول گوناگون داشته‌اند. بعضی به مشرب اهل عرفان گرویده‌اند، بعضی دیگر بر مبادی اخلاقی تکیه کرده‌اند و بعضی هم از آثار ادبی راه شناخت حقایق فلسفی را جستجو کرده‌اند. از این‌رو هر یک از منتقدان و یا لاقلاً هر یک از مکتب‌های مشهور نقد ادبی در کار نقد ادبی و سخن‌سنجی مبادی و روش‌های دیگر پیش گرفته